

البته بیان محاسن و خوبی‌های مردم ایران بدان معنی نیست که چشم را بر روی کاستی‌ها و ضعف‌ها بیوشانیم و آنها را نادیده بگیریم. درد را باید دید و درصدد درمان آن برآمد، که اتفاقاً این دردها نیز عمدتاً ناشی از بروز رفتارهای غیردینی جامعه بوده است.

اما رشد وضعیت دینداری در ایران درحالی است که «ما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه‌ی عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند؛ این هم در خلال حرف‌هایشان هست، البته ما می‌دانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً می‌گویند

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۳۰ / دوشنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۹۸

جمهوری جهانی اربعین

کیهان: در دنیایی که جویندگان آرامش خود را به هر در و دیواری می‌زنند و هر نسخه‌ای را از دیازپام گرفته تا صدها مدل مدیتیشن و مواد مخدر می‌آزمایند اما کمتر می‌یابند و حیران‌تر و تشنه‌تر می‌شوند، اربعین نسخه اصیل معنویت است. تمرینی برای در کنار هم بودن. کسی از زائر اربعین درباره ملیت و رنگ و نژاد و زبان و حتی دینش نمی‌پرسد. نمایش واقعی تکثر، صلح و آرامش در این مسیر نورانی متجلی می‌شود. اربعین از جنس ایمان قلبی و آرامش درونی است. توصیف آن در قالب کلمات اگر محال نباشد، امری بسیار دشوار است. اربعین را باید چشید و آنان که یک بار چشیده باشند، اسیرش می‌شوند و اگر سال بعد جا بمانند تنها اشک است که می‌تواند تسلای احساس عمیق آنان باشد.

جهان دین‌گریز و حیران امروزی، در مواجهه با اربعین فعلاً راهکار انکار را در پیش گرفته است. مرحله بعد ستیز خواهد بود که امسال نمودهایی از این رویکرد جدید را دیدیم. رود خروشان اربعین زنده‌تر و پویاتر از آن است که با روی برگرداندن از آن یا پرتاب سنگ، از حرکت بازایستد. مستکبران زیادی در ۱۴۰۰ سال گذشته سعی کرده‌اند شجره طیبه‌ای را که حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران مخلصش با خون خود کاشتند، از بیخ برکنند. از متوکل عباسی که دستور داد مرقد را تخریب کرده، آب بر زمین بسته و بذر بکارند تا اثری از آن نماند تا حمله وهابی‌ها به سرکردگی سعود بن عبدالعزیز در دو قرن پیش که از فرط سبوعیت به «طف ثانی» مشهور شد. متوکل و سعود کجا هستند و نتیجه خصومت توأم با بلاهت آنان چه شد؟

اگر رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند اربعین جهانی شده و جهانی‌تر خواهد شد و دیروز هم آن را «فریادی رسا و رسانه‌ای بی‌همتا در دنیای پیچیده تبلیغات و جهان پُرهیاهوی بشریت امروز» توصیف کردند، ریشه در چنین واقعیاتی دارد. جمهوری جهانی اربعین پایه‌گذاری شده است.

امریکا منطق ایران را پذیرفت

جوان: چند روز پیش رئیس‌جمهور امریکا دستور تخلیه نیروهای نظامی خود از سوریه را صادر کرد. دیروز نیز فرمان خروج سربازان امریکا از افغانستان را صادر و در توثیقی نوشت: «همان افرادی که ما را به خاورمیانه بردند، ۸ تریلیون دلار به ما تحمیل کردند و جان هزاران نفر را گرفتند (و اگر طرف مقابل را هم حساب کنیم میلیون‌ها انسان را از بین بردند) در حال حاضر در تقلا هستند تا ما را در آنجا نگه دارند. به این افراد گوش ندهید. آن‌ها ثابت کرده‌اند که نادرست

هستند». در این میان ۳ هزار سرباز به سعودی می‌فرستند، چرا؟ چون فعلاً در آنجا کسانی حضور ندارند که شکست را بر امریکا تحمیل کنند و از سوی دیگر او در صدد است پس از حذف آل سعود از قدرت، انرژی عربستان را تضمین شده در اختیار داشته باشد. اما به هر دلیل - از جمله آورده‌های انتخاباتی این تصمیم برای ۲۰۲۰ - رئیس‌جمهور امریکا به این جمع‌بندی رسیده است که ۱۸ سال در افغانستان، ۱۷ سال در عراق و شش سال در سوریه جز تلف شدن ۸ تریلیون دلار و هزاران سرباز امریکایی آورده‌ای برای امریکا نداشته است. مقام معظم رهبری در بهمن ۱۳۹۶ و پس از اغتشاشات دی‌ماه آن سال فرمودند: «به ما می‌گویند می‌ترسید، ما اگر می‌ترسیدیم که امریکا را از این منطقه اخراج نمی‌کردیم». واقعیت این است که جریان زلال مقاومت نفس امریکا را در غرب آسیا به شماره انداخته است. خصوصاً در ۱۸ ماه گذشته متوجه شدند که گوشت سربازان‌شان در منطقه زیر دندان مقاومت است. به قول حاج قاسم «در نزدیک‌ترین نقطه‌ای که فکر آن را هم نمی‌کنید در کنار شما هستیم» و این عامل بازدارندگی ما است. برخی چنین تحلیل می‌کنند که یکی از علل حمله نظامی امریکا به ایران این است که امکانات و نیروهای خود را از دسترس دور کند. این فرضیه به دو دلیل باطل است؛ اول اینکه سربازانش در قطر و عربستان (بخوانید هر جا دست مقاومت فعلاً نمی‌رسد) حضور دارند و دوم اینکه ۳ هزار سرباز امریکایی را به عربستان گسیل می‌کند که باز در تیررس ما هستند. از سوی دیگر راهبرد اعلام شده ایران پاسخ نامحدود در زمان و مکان است که باز در هر نقطه‌ای از منطقه باشند در دسترس ما هستند. می‌توان امروز با شجاعت و جسارت گفت میوه ۳۰ سال مبارزه جریان مقاومت برای عبور جهان اسلام از سلطه سیاسی - نظامی و فرهنگی غرب در حال بارور شدن است و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و ملت رشید ایران در عین تحمل تحریم، مشغول میوه‌چینی از یک سیاست راهبردی، ثابت و خیره‌کننده خود یعنی ایجاد زحمت برای نظام سلطه در غرب آسیا هستند. ممکن است دیگرانی چنین تحلیل کنند که خروج امریکا موجب رشد تروریسم خواهد شد. سند گویای این مدعا معکوس است، چرا تا امریکا به این منطقه نیامده بود از تروریسم خبری نبود؟ یا امریکا خود تروریسم را ساخته است یا اجازه داده در سایه خود رشد کند. مطمئناً در افغانستان بدون امریکا طالبان راه دیگری را بر خواهد گزید و در عراق نیز که آسیب‌پذیرترین نقطه برای امریکا در خاورمیانه است، جریان مقاومت شکل قانونی به خود گرفته است و به‌زودی شاهد دومینوی تصمیمات ترامپ برای این کشور نیز خواهیم بود.

کلیدواژه عزت

صبح نو: روز گذشته، رهبر انقلاب اسلامی در دانشگاه امام حسین (ع) با استناد به آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» تأکید کردند این فرمان الهی به‌عنوان درسی دائم و همواره در اولویت سپاه پاسداران باشد؛ درسی که بر ضرورت آمادگی هرچه‌بیشتر برای ترساندن دشمنان خدا تأکید می‌کند تا با ابزار قدرت نظامی، دشمن را به عقب‌نشینی وادار کند؛ چراکه طبیعت جهان‌خواران تجاوز، تصرف و پنجه‌انداختن است که اگر خاکریز ضعیف و نفوذپذیر باشد، جلو می‌آیند؛ بنابراین، حفاظت از خاکریز ملاک «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» است. البته این درس الزامات دیگری هم دارد که همانا تقویت بُعد علمی، اقتصادی و مادی و معنوی است؛ همچنان‌که رهبری پیش از این تأکید کرده بودند: «آمادگی‌هایتان را افزایش دهید؛ هم آمادگی علمی را [یعنی] در علم و تحقیقات و هم آمادگی‌های ابزاری را [یعنی] ابزارهای جنگی». این‌ها آمادگی‌های عزت‌آفرین هستند. حال این روزها «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» به کلیدواژه عزتمندی سپاه تبدیل شده است؛ عزتی که امروز نوک پیکان استوار دفاع ملی است و دشمنان را به عقب‌نشینی،

انفعال و سردرگمی و ادار کرده؛ عزتی که نه تنها موجب سربلندی سپاه، بلکه موجب سربلندی و اقتدار کشور و ملت نیز شده است.

قدر این دوران را بدانیم!

فارس: قدر این دوران را بدانیم. دورانی که سخن از «جنبش علمی» جوانان ما و ظاهر شدن آنان در «تراز جهانی» است. قدر دورانی که ایران اسلامی به همت جوانان و دانشمندان خود، پرچمدار «دانش پاک و با شرافت» است و در مسیر «اندیشه درست» حرکت می‌کند. بازدید مقام معظم رهبری از پیشرفت‌های علمی کشور در نمایشگاهی که بدین منظور برگزار شد و نیز سخنان معظم له در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر نقطه عطفی در تاریخ علمی کشور است. ایران عزیز در ۴۰ سال اخیر به پیشرفت‌های شگرفی در عرصه علم و دانش رسیده است که آثار کمی آن را در صنایع نظامی و علوم راهبردی و نیز مبانی دفاع از منافع و مصالح ملی می‌توان به نظاره نشست. امروز نسلی تربیت شده که می‌توان روی «کارآمدی» و «توانمندی»های علمی آن حساب باز کرد. آنها در دایره هوش و همت ایرانی عمل می‌کنند و هر روز قله‌ای از قله‌های علم را در عرصه‌های مختلف فتح می‌کنند. رهبر معظم انقلاب مسیر این هدف‌گیری مقدس را این‌طور ترسیم فرموده‌اند که؛ «باید به گونه‌ای پیشرفت کنیم که ۵۰ سال بعد هر نخبه‌ای و هر کسی در جهان خواست تازه‌های علم را فرا بگیرد ناچار به دانستن زبان فارسی باشد. تحقق این امر امکان پذیر است».

عمران خان با چه پیامی از بیت رهبری به ریاض رفت؟!

جهان نیوز: مقامات عربستان طی چند هفته اخیر تلاش کردند که نیاز خود به مذاکره با ایران را در رسانه‌ها مخفی کنند و برای شاهزاده‌های شکست‌خورده ولی مغرور سعودی سخت است که در علنا اینگونه برداشت شود که در مسیر اجباری دیپلماسی با تهران در موضع ضعف قرار گرفته‌اند. همچنانکه عادل الجبیر وزیر مشاور در امور خارجه سعودی گفته که نخست وزیر پاکستان با طرح ابتکاری خود عازم تهران شده و ریاض در این زمینه درخواستی از پاکستان نداشته است! وی با وقاحت بیشتری نیز گفته است: «اگر ایرانی‌ها می‌خواهند که دیگران با آنها همانند یک کشور عادی تعامل داشته باشند، لازم است که رفتار و سیاست‌های خود را تغییر دهند».

این در حالیست که عمران خان سفر خود را برای میانجیگری از تهران آغاز کرده است. به صورت طبیعی و عرف معمول اگر ایران پیشقدم میانجیگری بود، نخست وزیر پاکستان باید ابتدا به ریاض می‌رفت و پیشنهاد را مطرح و پاسخ را به تهران منتقل می‌کرد. این در حالیست که الان وضعیت کاملاً برعکس است.

اما همانطور که نیز در ابتدا گفته شد، مقامات فعلی سعودی که در گذشته با غرور و اعتماد به نفس خام جوانانه قدرت را به دست گرفتند و همان ابتدا جنگ یمن را راه انداختند، اینک پیش گرفتن مذاکره با ایران برایشان از هر امر دیگری در سیاست خارجه سخت‌تر است. آنقدر این اقدام برای آنها سخت است که حاضرند تمسخرهای علنی و پرتکرار ترامپ را تحمل کنند ولی درباره ایران عقب‌نشینی از مواضع جاه‌طلبانه خود نداشته باشند.

بخشی از این جرزنی! سعودی نیز در سفر عمران خان به تهران کاملاً مشخص است. ادبیات رسانه‌ای شده عمران خان در تهران نیز نشان داد که سعودی‌ها تلاش زیادی کرده‌اند که این سفر نشانه نیاز و پیشقدمی شان برای مذاکره و گفتگو با ایران تلقی نشود.

عمران خان در کنفرانس خبری با حسن روحانی درباره فلسفه سفر خود به تهران، اشاره ای علنی به تمایل آل سعود برای واسطه شدن او با ایران نکرد بلکه در ادبیاتی دیپلماتیک و در عین حال با چاشنی نیم بند خطر جنگ در منطقه، دغدغه خود را جلوگیری از جنگ عربستان و ایران بیان کرد و اظهار داشت: دلیل اصلی سفر من به ایران این است که نمی‌خواهیم درگیری جدیدی در منطقه به وجود بیاید. نمی‌خواهیم بین ایران و عربستان درگیری رخ دهد بلکه معتقدیم باید با مذاکره مشکلات حل شود و به جنگ منتهی نشود. این سخنان به سرعت در رسانه‌های داخلی و خارجی درباره فلسفه دیدار نخست وزیر ژاکستان به تهران منتشر شد.

از دیگر سخنان منتشر شده رهبر معظم انقلاب نیز اینگونه می‌توان فهمید که اولین گام را هم سعودی‌ها باید برای باز شدن گره‌های منطقه‌ای بردارند، گام اول نیز از یمن آغاز می‌شود؛ توقف واقعی جنگ در یمن و پذیرفته این مساله که باید پای میز مذاکره با محور مقاومت در یمن بیایند. بنابراین می‌توان گفت، نحوه پایان جنگ در یمن محل راست آزمایی و آزمون مذاکره با عربستان سعودی از طرف تهران خواهد بود. گام دوم نیز دانستن و باور این مساله برای سعودی‌هاست که ایران انگیزه‌ای برای دشمنی با آنها ندارد و خود آنها بوده‌اند که در مسیر خواست و اراده آمریکا با تهران دشمنی را آغاز و ادامه داده‌اند.

کلید خزانه پنهان دولت

دنیای اقتصاد: یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان حوزه اقتصاد، افزایش کارایی است؛ یکی از مهم‌ترین نمودهای کارایی در منابع دولتی است؛ که اتفاقاً اثر قابل توجهی روی رفاه اجتماعی دارد. در کشورهای در حال توسعه که دولت نقش قابل توجهی در اقتصاد دارد، همواره بخشی از دارایی‌های عمومی در مجاری ناکارآ استفاده می‌شود؛ به حدی که گاهی اوقات یک تغییر آرایش در نحوه استفاده از این منابع می‌تواند ارزش‌های جدید زیادی را خلق کند. درخصوص کارایی، دارایی‌های دولت را می‌توان به دو گروه «دارایی‌های قابل واگذاری» و «دارایی‌های غیرقابل واگذاری» تقسیم کرد. حرکت به سمت کارایی می‌تواند با تولید ثروت جدید اثرات قابل توجهی روی رفاه عمومی داشته باشد. بنابراین خلق ارزش از طریق رشد کارایی عمومی جایگاهی بین «حامیان خصوصی‌سازی» و «حامیان مدیریت تام دولتی» دارد. این سناریوی خلق ارزش پیشنهاد می‌کند آن دسته از دارایی‌های دولتی که به بهانه‌های مختلف نمی‌توانند خصوصی‌سازی شوند به سمت رشد کارایی و خلق ارزش‌های جدید حرکت کنند.



سناریوی اختلاف‌افکنی میان ایران و عراق در راهپیمایی اربعین